

بسم الله الرحمن الرحيم

چالش‌های تربیتی والدین در مواجهه با زیست‌رسانه‌ای فرزندان

استاد راهنما: الناز جهان پور

دبیر: الهام قاسمی

الهام مرادی

مدرسه تخصصی زینب کبری سلام الله علیها

استان آذربایجان غربی

چکیده

ی تردید، تربیت فرزند در دنیای امروز با چالش‌های متعددی مواجه است. رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، محیط زیست رسانه‌ای فرزندان را به‌شکلی بی‌سابقه تغییر داده است. امروزه کودکان و نوجوانان در محیطی زندگی می‌کنند که هر لحظه در معرض حجم انبوهی از اطلاعات، تصاویر، پیام‌ها و محتوای متنوع دیجیتال قرار دارند. این وضعیت، ضمن ایجاد فرصت‌های بی‌نظیر برای یادگیری و رشد، چالش‌های جدی را نیز پیش روی والدین و نظام‌های تربیتی قرار داده است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که تربیت فرزند در چنین زیست رسانه‌ای پیچیده، نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها و رویکردهایی نوین و کارآمد است؛ تا بتوانند فرزندان را در برابر آسیب‌های روانی، رفتاری و هویتی محافظت کرده و همزمان مهارت‌های لازم برای بهره‌مندی بهینه و هوشمندانه از فضای دیجیتال را در آنها تقویت کنند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی چالش‌های تربیتی والدین در مواجهه با زیست رسانه‌ای فرزندان در عصر تفاوت تسلی و ارائه راهکارهای علمی و عملی به منظور توانمندسازی خانواده‌ها در این زمینه می‌باشد. روش تحقیق بر پایه مطالعات توصیفی و با استفاده از مرور منابع علمی معتبر است. در گذشته، فضای رسانه‌ای محدودتر و محتواها عمدتاً تحت نظارت والدین و نهادهای تربیتی قرار داشت؛ یعنی والدین بهتر می‌توانستند کنترل کنند چه محتوایی فرزندان‌شان ببینند و در معرض چه چیزهایی قرار بگیرند اما امروزه، با گسترش بی‌سابقه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، کودکان و نوجوانان به محتوایی بسیار گسترده، متنوع و اغلب بدون کنترل دسترسی دارند. این تحول باعث ایجاد تفاوت تسلی یا شکاف نسلی شده که میان والدین و فرزندان فاصله‌ای عمیق ایجاد کرده است. والدین اغلب با مشکلاتی چون عدم شناخت دقیق از فضای رسانه‌ای فرزندان، ناتوانی در مدیریت مصرف محتوا و کمبود مهارت‌های لازم در تربیت دیجیتال مواجه‌اند. این عوامل باعث می‌شود که تربیت سنتی، در برابر چالش‌های نوین ناکارآمد شده و سلامت روانی و هویت فرزندان در معرض خطر قرار گیرد. بنابراین، چگونگی مواجهه و مدیریت این شرایط پیچیده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز خانواده‌ها و نظام‌های تربیتی است. در نتیجه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال کلیدی است: چگونه می‌توان با اتخاذ رویکردهای نوین تربیتی، ضمن حفظ ارزش‌های اخلاقی و

معنوی، فرزندان را در برابر آسیب‌های زیست رسانه‌ای مقاوم ساخت و توانمندی‌های دیجیتال و رفتاری آنان را به شکلی متعادل و هوشمندانه ارتقاء داد؟ برای پاسخ به این پرسش، دو فرضیه اساسی مطرح می‌شود: نخست، آموزش و تقویت مهارت‌های مدیریت توجه و تفکر عمیق، می‌تواند به کاهش اثرات مخرب مصرف سریع و سطحی محتوا کمک کند و در نتیجه به بهبود کیفیت زندگی روانی و شناختی فرزندان منجر شود؛ دوم، تلفیق اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در چارچوب تربیت دیجیتال، قادر است محیطی امن و پایدار برای رشد متعادل کودکان و نوجوانان فراهم آورد و تاب‌آوری آنان را در برابر فشارهای فضای مجازی افزایش دهد. تحقق این فرضیه‌ها می‌تواند فضایی فراهم آورد تا خانواده‌ها و نهادهای تربیتی با استفاده از چارچوبی چندبعدی و علمی، فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که هم مهارت‌های لازم برای استفاده هوشمندانه از فناوری را بیاموزند و هم در برابر آسیب‌های روانی و اجتماعی فضای دیجیتال مقاوم شوند. این پژوهش با تاکید بر بررسی روان‌شناختی، اجتماعی و فناورانه زیست رسانه‌ای کودکان و نوجوانان، و همچنین بررسی رویکردهای نوین تربیتی، تلاش دارد تا راهکارهایی عملی، جامع و کاربردی ارائه دهد که ضمن حفظ و تقویت بنیان‌های اخلاقی و معنوی، فرایند تربیت را متناسب با شرایط امروز بازسازی کند. به این ترتیب، امید است که این مطالعه بتواند خانواده‌ها، مدارس و سایر نهادهای تربیتی را در مسیر تربیت نسلی آگاه، مقاوم و اخلاق‌مدار یاری دهد و به کاهش چالش‌های ناشی از تفاوت تسلی در زیست رسانه‌ای کمک کند.

کلید واژگان: تربیت، والد، زیست رسانه، فرزند.

مقدمه

بی‌تردید، تربیت فرزند در دنیای امروز با چالش‌های متعددی مواجه است. پیشرفت سریع فناوری، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، محیط زیست رسانه‌ای فرزندان را به شکلی بی‌سابقه تغییر داده است. امروزه کودکان و نوجوانان در محیطی زندگی می‌کنند که هر لحظه در معرض حجم انبوهی از اطلاعات، تصاویر، پیام‌ها و محتواهای متنوع دیجیتال قرار دارند. این وضعیت، ضمن ایجاد فرصت‌های بی‌نظیر برای یادگیری و رشد، چالش‌های جدی را نیز پیش روی والدین و نظام‌های تربیتی قرار داده است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که تربیت فرزند در چنین زیست رسانه‌ای پیچیده، نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها و رویکردهایی نوین و کارآمد است؛ تا بتوانند فرزندان را در برابر آسیب‌های روانی، رفتاری و هویتی محافظت کرده و همزمان مهارت‌های لازم برای بهره‌مندی بهینه و هوشمندانه از فضای دیجیتال را، در آنها تقویت کنند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی چالش‌های تربیتی والدین در مواجهه با زیست رسانه‌ای فرزندان در عصر تفاوت تسلی و ارائه راهکارهای علمی و عملی به منظور توانمندسازی خانواده‌ها در این زمینه می‌باشد. روش تحقیق بر پایه مطالعات توصیفی و با استفاده از مرور منابع علمی معتبر است.

در گذشته، فضای رسانه‌ای محدودتر و محتواها عمدتاً تحت نظارت والدین و نهادهای تربیتی قرار داشت؛ یعنی والدین بهتر می‌توانستند کنترل کنند چه محتوایی فرزندان‌شان ببینند و در معرض چه چیزهایی قرار بگیرند اما امروزه، با گسترش بی‌سابقه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، کودکان و نوجوانان به محتوایی بسیار گسترده، متنوع و اغلب بدون کنترل دسترسی دارند. این تحول باعث ایجاد تفاوت تسلی یا شکاف نسلی شده که میان والدین و فرزندان فاصله‌ای عمیق ایجاد کرده است. والدین اغلب با مشکلاتی چون عدم شناخت دقیق از فضای رسانه‌ای فرزندان، ناتوانی در مدیریت مصرف محتوا و کمبود مهارت‌های لازم در تربیت دیجیتال مواجه‌اند. این عوامل باعث می‌شود که تربیت سنتی، در برابر چالش‌های نوین ناکارآمد شده و سلامت روانی و هویت فرزندان در معرض خطر قرار گیرد. بنابراین، چگونگی مواجهه و مدیریت این شرایط پیچیده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز خانواده‌ها و نظام‌های تربیتی است؛ در نتیجه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال کلیدی است: چالش‌های تربیتی والدین در مواجهه با زیست‌رسانه‌ای فرزندان چیست؟ بر همین اساس دو پرسش فرعی مطرح می‌شود: نخست: استفاده مفرط فرزندان از رسانه‌های دیجیتال چه تأثیری بر سلامت روانی، تمرکز و رفتارهای اجتماعی آنان دارد؟

دوم: چگونه زیست‌رسانه‌ای فرزندان بر انتقال ارزش‌های خانوادگی و اخلاقی تأثیر می‌گذارد؟ همچنین دو فرضیه‌ی اصلی این پژوهش عبارت است از: ۱. اعتیاد رسانه‌ای و مصرف بیش‌ازحد شبکه‌های اجتماعی، با افزایش اضطراب، پرخاشگری و کاهش تمرکز در فرزندان رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد.

۲. افزایش زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی، با کاهش پایبندی فرزندان به ارزش‌های خانوادگی و اخلاقی رابطه‌ی منفی دارد.

این پژوهش با تأکید بر بررسی روان‌شناختی، اجتماعی و فناورانه زیست‌رسانه‌ای کودکان و نوجوانان، و همچنین بررسی رویکردهای نوین تربیتی، تلاش دارد تا راهکارهایی عملی، جامع و کاربردی ارائه دهد که ضمن حفظ و تقویت بنیان‌های اخلاقی و معنوی، فرایند تربیت را متناسب با شرایط امروز بازسازی کند. به این ترتیب، امید است که این مطالعه بتواند خانواده‌ها، مدارس و سایر نهادهای تربیتی را در مسیر تربیت نسلی آگاه، مقاوم و اخلاق‌مدار یاری دهد و به کاهش چالش‌های ناشی از تفاوت تسلی در زیست رسانه‌ای کمک کند.

حول تربیت فرزند در عصر دیجیتال پایان‌نامه‌ها، کتب و مقاله‌های زیادی نگاشته شده است. از جمله:

پایان‌نامه‌ی حسین رضایی با عنوان چالش‌های اخلاقی الگوی کنترل‌گری والدین در زیست مجازی فرزندان و راهکارهای حل آن (۱۴۰۲)، با شناسایی چالش‌های اخلاقی، تقسیم‌بندی راهکارهای عملی و ارائه کدهای تصمیم‌گیری اخلاقی، مدلی اخلاق‌محور برای والدگری در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد که هم کنترل مؤثر و هم رعایت حقوق و خلاقیت فرزندان را همزمان فراهم می‌سازد.

کتاب رضوانه کوزه‌گران با عنوان «راهبردهای توانمندسازی والدین برای فرزندپروری در عصر دیجیتال»، به ضرورت سواد دیجیتال والدین در عصر فناوری اشاره می‌کند تا با آگاهی و مدیریت هوشمندانه، از آسیب‌های فضای مجازی بر فرزندان جلوگیری شود.

کتاب زهره آیت‌اللهی و دیگران با عنوان «فرزندپروری در عصر دیجیتال» (۱۴۰۰)، خطرات احتمالی فضای مجازی را به والدین و کودکان گوشزد کرده و راهکارهایی برای پیشگیری از آن ارائه می‌دهد. مقاله گلناز درویش‌زاده با عنوان بررسی تاثیر آموزش استفاده صحیح و مدیریت زمان والدین از گوشی همراه، رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر الگوی دلبستگی، مشکلات رفتاری کودکان و میزان اعتیاد به اینترنت در والدین (۱۳۹۹)، نتایج نشان داد بین نمرات دلبستگی، مشکلات رفتاری کودکان و اعتیاد به اینترنت دو گروه آزمایش و گواه، در پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. آموزش بر استفاده صحیح و مدیریت زمان والدین از گوشی همراه، رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی موثر است و موجب بهبود دلبستگی، کاهش مشکلات رفتاری کودکان و کاهش اعتیاد به اینترنت در والدین می‌شود.

مقاله فاطمه جوادی با عنوان چالش‌های تربیتی والدین در عصر دیجیتال (۱۴۰۳)، بیان میکند که شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی پایین می‌تواند موجب بی‌نظمی و آشفتگی روانی در خانواده‌ها شود و این وضعیت در طبقات پایین اجتماع بیشتر مشاهده میشود عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی حاکم بر خانواده به ویژه سطح سواد و تحصیلات والدین، تأثیر مستقیمی بر نگرش کودک نسبت به خود و اعضای خانواده دارد.

مقاله جعفر بهادری و دیگران با عنوان «نقش سواد رسانه‌ای والدین و هویت اجتماعی بر مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان (۱۱-۱۸ سال)» (۱۳۹۷)، نشان داد؛ سواد رسانه‌ای والدین و هویت اجتماعی آنها رابطه مثبت و معناداری با مصرف رسانه‌ای فرزندان دارد و متغیرهایی چون دسترسی، تحلیل و تفکر انتقادی نقش پیش‌بینی مهمی در این مصرف ایفا می‌کنند.

در مجموع، پژوهش‌های پیشین هرکدام تنها به یکی از ابعاد اخلاقی، رفتاری یا فرهنگی توجه داشته‌اند، در حالی که این پژوهش با ترکیب سه بعد روانی-رفتاری، فرهنگی-اجتماعی و فنی-مدیریتی به تحلیل جامع چالش‌های والدین در مواجهه با زیست‌رسانه‌ای فرزندان می‌پردازد.

مفهوم شناسی

در این قسمت به بررسی آن قبیل از مفاهیمی می‌پردازیم که در عنوان به چشم می‌خورد و نیازمند بررسی بیشتری است.

زیست

براساس لغت‌نامه دهخدا، «زیست» اسم مصدر از «زیستن» بوده و معنای «عمل زیستن»، «حیات»، «زندگانی»، «زندگی»، «عمر» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۳۰، ص ۲۰۳)

رسانه

واژه «رسانه» به معنی وسیله‌ای است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ این واژه از ترکیب دو لغت «رسان» به معنای رساندن و پسوند «ه» ساخته شده است و در معنای وسیله‌رساندن اخبار و داده‌ها به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۲۷، ص ۱۵۵).

در اصطلاح «زیست‌رسانه» به معنای زیست در محیط و فضای رسانه‌ای است که رسانه به یکی از ساحت‌های اصلی زیست انسان تبدیل شده است، به گونه‌ای که ارتباطات، زندگی اجتماعی، رشد و تجارب انسانی در این فضا شکل می‌گیرد. این مفهوم فراتر از زیست طبیعی و اجتماعی فرد است و رسانه خود یک حوزه زیستی به‌شمار می‌آید که در آن انسان با همه ابعاد حیات و تعاملات خود زندگی می‌کند. زیست رسانه شامل تأثیرات ارتباطی و رشد در محیط رسانه‌ای است که می‌تواند تغییرات در هویت، ارتباطات و کارکردهای اجتماعی انسان ایجاد کند (محمدحسین، ۱۴۰۲).

۱. چالش‌های روانی رفتاری

در زیست‌رسانه‌ای امروز، فرزندان بیش از هر زمان دیگری در معرض محرک‌های روانی و رفتاری گوناگون قرار دارند که گاه فراتر از ظرفیت سنی و رشدی آنان است. این وضعیت، والدین را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند که بر سلامت روان، الگوهای رفتاری و روابط خانوادگی فرزندان تأثیر مستقیم دارد. در این میان، برخی از مهم‌ترین چالش‌های روانی و رفتاری که خانواده‌ها با آن مواجه‌اند عبارت‌اند از:

۱-۱ اعتیاد به رسانه‌های دیجیتال

اعتیاد به رسانه‌های دیجیتال یکی از مهم‌ترین چالش‌های تربیتی والدین در مواجهه با زیست رسانه‌ای فرزندان به‌شمار می‌آید. این پدیده نه تنها سلامت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کند، بلکه موجب سستی بنیان‌های ارتباطی و تربیتی خانواده نیز می‌شود. استفاده مکرر و نابه‌جا از رسانه‌های دیجیتال باعث شکل‌گیری نوعی وابستگی رفتاری و هیجانی در میان فرزندان شده و به تدریج تمرکز، تعامل و شکل‌گیری هویت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (زاهریادس، ۱۴۰۲، ص ۶۳-۷۵). در دنیای امروز، رسانه‌ها به بخشی ثابت از زندگی روزمره نسل جدید تبدیل شده‌اند و حضور مداوم در فضای مجازی، بازی‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی سبب کاهش کنترل والدین بر رفتار، زمان و ارزش‌های فرزندان شده است. این وضعیت فرآیند تربیت را با دشواری‌هایی همراه کرده و والدین را در شیوه‌های نظارت دچار سردرگمی ساخته است.

وابستگی رسانه‌ای علاوه بر آثار روانی، پیامدهای گسترده‌ای در روابط خانوادگی و رشد اجتماعی فرزندان دارد. استفاده بی‌رویه از رسانه‌ها به کاهش مهارت‌های خودکنترلی، ضعف در تعامل چهره به چهره و افزایش فاصله عاطفی میان اعضای خانواده منجر می‌شود (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸-۱۱۲). زمانی که کودکان و نوجوانان بخش زیادی از وقت خود را در فضای مجازی سپری می‌کنند، فرصت تجربه ارتباط واقعی و مشارکت در فعالیت‌های خانوادگی را از دست می‌دهند و در نتیجه، مهارت‌های اجتماعی آنان تضعیف می‌شود. از سوی دیگر، والدین نیز در برخورد با این پدیده دچار نوعی دوگانگی هستند؛ زیرا از یک‌سو نگران آثار منفی آن بوده و از سوی دیگر نمی‌خواهند فرزندانشان از جریان

(نصیری و دیگر همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹۴). این وضعیت نه تنها سلامت روان والدین را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند بر نحوه تعامل آنان با فرزندان و کیفیت تربیت تأثیر منفی داشته باشد. راهکارهای پیشنهادی برای کاهش فشار روانی والدین شامل آموزش سواد رسانه‌ای با تمرکز بر توانمندسازی در نظارت و گفت‌وگو با فرزندان، مدیریت زمان و محتوای استفاده از رسانه‌ها و ایجاد فضایی برای تبادل نظر بین والدین و فرزندان است (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲). علاوه بر این، ارتقای کیفیت تعاملات خانوادگی از طریق افزایش گفت‌وگوهای حضوری، مشارکت فعال در بازی‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای فرزندان و فراهم کردن تجربه‌های مشترک رسانه‌ای کنترل شده، موجب کاهش استرس والدین و همزمان تقویت مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و اخلاقی فرزندان می‌گردد (نصیری و دیگر همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۰۰).

۱-۶ افسردگی و انزوای اجتماعی

ظهور زیست‌رسانه‌ای گسترده در زندگی فرزندان، با وجود ایجاد فرصت‌های فراوان برای یادگیری و سرگرمی، پیامدهای روانی و اجتماعی قابل توجهی نیز به همراه دارد که والدین را در مسیر تربیت با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، افزایش خطر افسردگی و گرایش به انزوای اجتماعی در کودکان و نوجوانان است. دسترسی مداوم به شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین و محتوای تعاملی باعث کاهش احساس تعلق اجتماعی و مشارکت حضوری فرزندان می‌شود، امری که زمینه‌ساز بروز علائم افسردگی و افزایش انزوای روانی در آنان است (مدرسی و غفاری، ۱۴۰۳، ص ۶۵).

کاهش مهارت‌های ارتباطی واقعی فرزندان، از جمله پیامدهای مستقیم زیست رسانه‌ای است که فاصله عاطفی میان اعضای خانواده را افزایش می‌دهد و اضطراب والدین را تشدید می‌کند. تلاش‌های محافظتی و کنترل افراطی والدین در این فضا گاه نتیجه معکوس دارد و باعث می‌شود فرزندان بیش از پیش به انزوا روی آورند و ارتباط خود با خانواده را کاهش دهند (مدرسی و غفاری، ۱۴۰۳، ص ۹۸). در نتیجه، والدین نیازمند رویکردی متعادل و آگاهانه هستند که بتواند ضمن حفظ ارتباط صمیمانه، سلامت روان و اجتماعی فرزندان را تقویت کند.

تحقیقات نشان می‌دهند که آموزش سواد رسانه‌ای به والدین و تشویق به تعامل حضوری فعال با فرزندان، یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش افسردگی و انزوای اجتماعی است. ایجاد فرصت‌های گفت‌وگوی مستمر، فعالیت‌های مشترک خانوادگی و تمرین مهارت‌های اجتماعی می‌تواند فرزندان را قادر سازد تا ضمن بهره‌گیری از مزایای فضای دیجیتال، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خود را تقویت کرده و سلامت روان خود را حفظ کنند. در این فرآیند، والدین نقش کلیدی دارند و حضور فعال آن‌ها در همراهی و حمایت از فرزندان، زمینه رشد متوازن عاطفی، اجتماعی و روانی آنان را فراهم می‌آورد (مدرسی و غفاری، ۱۴۰۳، ص ۱۳۲).

۲. چالش‌های فرهنگی اجتماعی

در کنار چالش‌های روانی و رفتاری، بُعد فرهنگی و اجتماعی زیست رسانه‌ای نیز یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که تربیت فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رسانه‌ها با بازنمایی سبک‌های زندگی،

ارزش‌ها و هنجارهای متنوع، موجب تغییر در نگرش‌ها، روابط و باورهای نسل جدید می‌شوند و فاصله فرهنگی میان والدین و فرزندان را افزایش می‌دهند. در این زمینه، والدین با مجموعه‌ای از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو هستند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲ کاهش ارزش‌های خانوادگی

گسترش زیست رسانه‌ای در زندگی کودکان و نوجوانان، علاوه بر فرصت‌های آموزشی و تفریحی، تأثیرات قابل توجهی بر ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی دارد (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵). دسترسی مستمر به شبکه‌های اجتماعی، محتوای تصویری و بازی‌های دیجیتال باعث می‌شود فرزندان با مجموعه‌ای از الگوها و رفتارهای متفاوت از آنچه در خانواده آموزش دیده‌اند مواجه شوند (افتخارنیا، ۱۳۹۶، ص ۸۰). این تفاوت‌ها به تدریج می‌تواند موجب کاهش اهمیت و رعایت ارزش‌های خانوادگی شود، زیرا کودک یا نوجوان ممکن است ارزش‌ها و نگرش‌های ارائه شده در رسانه‌ها را بر باورهای والدین ترجیح دهد (نصیری، ۱۳۹۸، ص ۶۰). در این شرایط، والدین اغلب با حس ناتوانی و سردرگمی در انتقال هنجارها و اصول خانوادگی مواجه می‌شوند و فاصله نسلی میان آن‌ها و فرزندان افزایش می‌یابد (کافی و شعاع‌هاشمی، ۱۴۰۲، ص ۷۵). یکی از پیامدهای بارز این تغییر، کاهش احترام نسبت به سنت‌ها، قواعد و هنجارهای خانواده است (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). مشاهده محتوای رسانه‌ای که ارزش‌های فردگرایانه یا رفتارهای غیرمسئولانه را تبلیغ می‌کند، ممکن است موجب ایجاد تضاد در ذهن فرزندان شود و تمایل آنان به پیروی از الگوهای رسانه‌ای را تقویت کند. در نتیجه، آموزه‌های اخلاقی و تربیتی خانواده کم‌کم رنگ می‌بازند و فرزندان کمتر نسبت به آن‌ها پایبند می‌مانند. والدین در چنین شرایطی با چالش مهمی روبه‌رو می‌شوند؛ چگونه می‌توانند در عین حفظ رابطه صمیمانه با فرزند، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی را منتقل کنند و از تأثیرات منفی رسانه‌ها جلوگیری نمایند (افتخارنیا، ۱۳۹۶، ص ۹۵).

برای مقابله با این چالش، ضروری است که والدین رویکردی فعال و آگاهانه در تربیت فرهنگی و اخلاقی فرزندان داشته باشند (افتخارنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). ایجاد گفت‌وگوی مستمر درباره محتوای مشاهده شده، توضیح چرایی ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی و تشویق فرزندان به نقد و تحلیل محتوای رسانه‌ای، می‌تواند در تقویت هویت خانوادگی و پایبندی به ارزش‌ها مؤثر باشد (نصیری، ۱۳۹۸، ص ۷۵). علاوه بر این، خانواده می‌تواند با ارائه الگوهای رفتاری عملی، فعالیت‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی و ایجاد تجربه‌های مثبت مشارکتی، ارزش‌های خانوادگی را به شکل ملموس و کاربردی به فرزندان منتقل کند (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵). نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه کرد: کاهش ارزش‌های خانوادگی در زیست‌رسانه‌ای تنها از طریق نظارت و محدودسازی محتوای رسانه‌ای قابل حل نیست؛ بلکه نیازمند مشارکت فعال والدین در شکل‌دهی تجربه‌های روزمره، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و ایجاد فضای حمایتی است که فرزندان بتوانند ضمن بهره‌گیری از رسانه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی را در زندگی واقعی خود بپذیرند و به آن‌ها پایبند بمانند (کافی و شعاع‌هاشمی، ۱۴۰۲، ص ۸۰). این رویکرد تربیتی هم سلامت روانی و اجتماعی فرزندان را تقویت می‌کند و هم انسجام خانواده را حفظ می‌نماید (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

۲-۲ تغییر نگرش‌های اخلاقی کودکان

۲-۳ تفاوت نسل‌ها در درک فناوری‌ها

۲-۲-۴ فشار همسالان از طریق شبکه‌های اجتماعی

۲-۲-۵ ورود به فرهنگ‌های نامناسب و ضد فرهنگی

۲-۲-۶ کاهش احترام به بزرگ‌ترها

۳-۳ چالش‌های فنی مدیریتی

در کنار ابعاد روانی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که والدین در زیست‌رسانه‌ای با آن مواجه‌اند، بُعد فنی و مدیریتی است. گسترش روزافزون فناوری‌های نوین و دسترسی آسان به ابزارهای دیجیتال، نیازمند آگاهی، مهارت و برنامه‌ریزی دقیق از سوی والدین است. نبود دانش کافی درباره نحوه عملکرد رسانه‌ها و ناتوانی در تنظیم حدود و قواعد استفاده از آن‌ها، زمینه‌ساز بروز مشکلات متعدد در مدیریت زمان، کنترل محتوا و نظارت بر رفتار رسانه‌ای فرزندان می‌شود. در این راستا، می‌توان به مجموعه‌ای از چالش‌های فنی و مدیریتی اشاره کرد که از جمله عبارت‌اند از:

۳-۳-۱ کمبود آگاهی والدین درباره فناوری‌های نوین

۳-۳-۲ ناتوانی در مدیریت زمان استفاده فرزندان از رسانه‌ها

۳-۳-۳ نبود قوانین و محدودیت‌های روشن در خانواده

۳-۳-۴ دسترسی آسان کودکان به محتوای نامناسب

۳-۳-۵ ضعف در نظارت بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان

۳-۳-۶ نبود مهارت‌های سواد رسانه‌ای در والدین

۲. راهکارهای علمی فرهنگی

۲-۱ افزایش سواد رسانه‌ای والدین از طریق دوره‌های آموزشی تخصصی

۲-۲- آموزش نحوه استفاده سالم از شبکه‌های اجتماعی

۲-۳- حمایت از والدین در مدیریت چالش‌های تحصیلی فرزندان

۲-۴- ایجاد قوانین خانوادگی روشن درباره استفاده از دستگاه‌های دیجیتال

۲-۵- تشویق به گفتگو و تبادل نظر درباره محتواهای رسانه‌ای مشاهده شده

۲-۶- آموزش والدین برای شناسایی محتوای نامناسب و نحوه مقابله با آن

۳. پیشنهاد‌های سیاست‌گذاری و آموزش برای توانمندسازی والدین

۳-۱- راه‌اندازی کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی والد-فرزند

۳-۲- طراحی کمپین‌های اطلاع‌رسانی در رسانه‌های عمومی درباره چالش‌های رسانه‌ای

۳-۳- ترویج همکاری بین آموزش و پرورش، بهداشت و فرهنگ برای آموزش والدین

۳-۴- حمایت مالی از برنامه‌های آموزش خانواده در مناطق محروم

۳-۵- ایجاد پلتفرم‌های تعاملی برای تبادل تجربیات والدین

۳-۶- ترویج فرهنگ بازخورد مثبت و تشویق والدین به گفتگو با فرزندان

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج‌البلاغه

کتب فارسی

اخگری، محمد. (۱۴۰۱). تعلیم و تربیت رسانه‌ای: تقویت توانش رسانه‌ای در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات شب قلم.

افتخارنیا، سمیرا، (۱۳۹۶)، رسانه و خانواده، انتشارات مقصد.

جعفری، نسیم، خانواده و آسیب رسانه‌ای، رایانه و اینترنت، انتشارات یارمانا

رای، مانی و رم جات، کانا، (۲۰۰۵). تأثیرپذیری کودک از رسانه‌ها.

رشیدی، مهری و کمیجانی، مریم، (۱۳۹۸)، آسیب‌های اینترنت و فضای مجازی بر کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات زرین‌اندیشمند.

زاهاریادس، دیمون، (۱۴۰۲)، سمزدایی دیجیتال، ترجمه سیدعلی موسوی، تهران: نسل روشن.

صیری، معصومه و موسوی، سید علی. (۱۴۰۳). اصول آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان. تهران: نشر نسل روشن.

عظیمی‌خبازان، فرنوش. (۱۴۰۲). راهکارهای تربیت رسانه‌ای کودکان. تهران.

فابر، آدل و مازلش، الین. (۱۳۸۸). چگونه با کودک صحبت کنیم که گوش کند و چگونه گوش کنیم که کودک صحبت کند. ترجمه فاطمه عباسی‌فر.

کافی، مجید، شعاع هاشمی، سیده مرضیه، (۱۴۰۲)، خانواده فناورانه: تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر خانواده، انتشارات صدا و سیما.

محمدزهره‌وند، محمد و یعقوب‌نژاد، سینا، (۱۳۸۰)، آسیب‌های فضای مجازی بر کودکان و نوجوانان، تهران: نشر رشد.

نصیری، معصومه. (۱۳۹۷)، سواد رسانه‌ای و خانواده، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.

نصیری، معصومه، سواد رسانه‌ای و خانواده، انتشارات دانشگاه، ۱۳۹۸.

نوری‌راد، فاطمه و شاه‌حسینی، وحیده. (۱۴۰۲). الزامات تربیت فرزند در عصر رسانه. تهران: سازمان فناوری اطلاعات ایران.

نیبیز، کاترین، (۱۴۰۳)، آسیب‌ها و پیامدهای روانی فضای مجازی، ترجمه حماسه نادری، تهران: انتشارات متخصصان.

مقاله‌ها

پیشاهنگ، محمدحسین، (۱۴۰۲)، عوامل خطای محاسباتی در زیست‌رسانه‌ای نسل جوان، منتشر شده، سایت فکرات

جهان‌شاهی، امید و تیموری، میشا، (۱۳۹۹)، رسانه‌های دیجیتال و توسعه فرهنگ کودکان از دیدگاه والدین و معلمان، فصلنامه سلامت و آموزش دوران کودکی، شماره ۱۲.

رای، مانی و رم جات، کانا، (۱۳۸۴) ف تأثیرپذیری کودک از رسانه‌ها، تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، فرزانه‌ف (۱۴۰۳)، اثرات رسانه‌های دیجیتال بر سلامت روان کودکان و نوجوانان، کنفرانس ملی روانشناسی تربیتی، تهران.

یوسف احمدی، رضا و همکاران، (۱۴۰۴)، بررسی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر کاهش تمرکز و عملکرد دانش‌آموزان، اولین همایش بین‌المللی آموزش و پرورش هوشمند، تهران.